نگاه

مناطق حفاظت‌شده شهری را حفظ کنیم

مهدی کلاهی | دکترای جامعه‌شناسی محیط زیست

این نوشتار به بیان اهمیت «مناطق حفاظت‌شده شـهری» همچون پارک‌های ملی سـرخه حصار و خجیـر پرداختـه، و ضمـن نکوهـش نگاه‌های تخریب‌گرانه که امـروزه به‌ویژه دامـن پارک ملی سـرخه حصار را گرفته است (تصمیم شهرداری به تصرف بخشی از سـرخه‌حصار برای ساخت اتوبان شوشتری)، امیدوار است مسئولان در برنامه‌هایشان، ملاحظات محیط‌زیسـتی را، نه در حرف، بلکه در عمل، در اولویت اول قرار دهند. به علت فعالیت‌های توسعه‌طلبانه انسان که به تخریب روزافزون اراضی طبیعـی و کاهش یا انقـراض گونه‌هـای گیاهی و جانوری منجر گردیده، سیاسـت جهانی بر آن شد که مناطقی از طبیعت در هر کشور را که بکر بوده یا کمتر آسیب دیده‌اند، تحت حفاظت ویژه قرار دهند. بدین منظور طبق موافقت‌های جهانی، عرصه‌هایی به‌عنـوان «مناطق حفاظت‌شـده» (Protected Areas) نام‌گذاری و تحت مدیریت حفاظتی قرار گرفته‌اند. این مناطق آن‌قدر با اهمیت هسـتند که چندین کتاب فقـط در مورد نقش آنهـا در حیات زیستی جوامع نوشته شده است. خوشبختانه ایران یکی از سردمداران حفاظت از طبیعت بوده به‌طوری که طبق اسـناد تاریخی، اولین جنگل قرق در دنیا توسط پادشاه آن زمان (خشایارشاه) تعیین و تحت حفاظت قرار گرفت. هم‌اکنون نیز با تمام کمبودهای مالی، انسانی و برنامه‌های منسجم مدیریتی، تعداد بیش از ۲۷۰ منطقه، حدود ۱۰٪ مساحت کشور، با نام‌های مختلفی از قبیل پارک‌های ملی، آثار طبیعی ملی، پناهگاه‌های حیات‌وحش و عرصه‌های تحت حفاظت، زیر نظر مدیریت حفاظتی قرار گرفته‌اند. در این بین، مناطق حفاظت‌شده‌ای که در داخل یا کنار مراکز پرجمعیت هستند، به «مناطق حفاظت‌شده شـهری» (Urban Protected Areas) نیـز معروفند که از اهمیت دوچندان برخـوردار بوده و این نوشتار به بیان آنها می‌پردازد. باید دقت کرد که این واژه به پارک‌های شهری، فضاهای سبز، گلزارها، پردیس‌ها و ماننـد آنها اتلاق نمی‌گـردد. امروزه با پدیده شهرنشینی، شهرها، آن‌چنان وسعت یافته‌اند که گاهی هم جوار گردیده‌اند بـا مرزهای بعضی از مناطق حفاظت‌شـده‌ای که زمانی در دوردست‌ها قرار داشـتند، مثل همجواری تهـران با پارک‌های ملی سرخه حصار و خجیر و همچنین عرصه تحت حفاظـت جاجرود. ولی چرا مناطق حفاظت‌شـده شهری مهم‌هستند؟

تمام دلایلی که برای اهمیت مناطق حفاظت‌شده برشمرده شـده‌اند از قبیل فراهم‌سـازی خدمات بوم‌سازگان (اکوسیسـتم)، حفاظت حیات‌وحش و حمایت از اقتصاد مردم محلی با درآمدزایی از طریق گردشـگر، برای مناطق حفاظت‌شـده شهری نیز کارکرد دارند. با این وجود، این مناطق، نقش حیاتی دیگری دارند که آنها را از سایر مناطق حفاظت‌شده برجسـته می‌سـازد. از آنجایی که بیشـتر مناطق حفاظت‌شده در دوردست‌ها قرار دارند ولی مناطق حفاظت‌شده شهری فرصت‌هایی را برای بسیاری از مردم شهرنشین مهیا می‌سازند تا بتوانند طبیعت را نه از روی شبکه‌های تلویزیونی مثل «شبکه مستند» و پوسترها و عکس‌ها، بلکه از نزدیک تجربه کنند. این موضوع از دو جنبه دارای اهمیت است:

۱- تماس مداوم با طبیعت برای مردم سـودمند اسـت. فراتر از فواید حاصل از گـردش در طبیعت، یافته‌های علمی زیادی هسـتند که بیان می‌دارند صرف زمان‌هایی در طبیعت می‌تواند به سـلامت جسمی و ذهنی مردم کمک کند. این چنین است که عبارت «مناطق حفاظت شده سـالم»، «مردم سالم» قوت گرفته‌است.

۲- از نظر ملی و فراملی، مناطق حفاظت شـده شـهری برای حفاظـت از طبیعت خیلـی حیاتی هسـتند. بیش از نیمی از جمعیت دنیا در شـهرها زندگی می‌کنند و متاسـفانه هر روز بـر تعداد آنها افـزوده می‌شـود. همه چیـز در شـهرها متمرکز شـده و مردم از تماس با طبیعت محروم شده‌اند. با توجه به نقش مـردم در امر حفاظت و همچنین در تعیین مسئولان دولتی، مردم وقتی می‌توانند برای عرصه‌های طبیعیِ دوردست‌ها احترام قایل شوند که به‌طبیعت اطراف محل سکونت‌شان اهمیت دهند.

مناطق حفاظت‌شده شهری فرصت‌های زیادی را برای شهرنشین‌ها مهیا می‌سازند. دسترسی تمام افراد جامعه حتـی ناتوان‌ها و تنگدسـت‌ها؛ ایجاد حس مالکیت و توجه؛ نمایش، تسهیل و ترویج رفتار محیط‌زیستی خوب؛ نمایش، تسهیل و ترویج فواید سلامتی هنگام بودن در طبیعت و نوع تغذیه خوب؛ کنترل کردن زمین‌خـواری؛ ممانعت از زباله‌ریزی؛ کاهش تقابل و تضـاد بین انسـان و حیات‌وحش؛ کمک به پایش برای گونه‌هـای غیربومی مهاجم و کنترل آنها (به‌علت نزدیکی به فرودگاه‌ها، ترمینال‌ها و دروازه‌های شـهر)؛ ارتقای پیوندها با سایر مناطق طبیعی (ایجاد شـبکه مناطق)؛ کمک به قراردادن طبیعت داخل محیط انسان‌ساخت؛ کاهش اثرات آلودگی‌های صوتی و نور در شب (به خاطر همکاری ارگانیسم‌ها و بوم‌سازگان)؛ ارتقای نقش موسسات دارای وظایـف هماهنگ با طبیعت (مثل موزه‌های تاریخی طبیعـی)؛ آموزش معلمان شـهر؛ نهایت اسـتفاده از نیروی‌های فعال و داوطلب شـهری؛ و همکاری با دانشـگاه‌های داخل شـهر از جمله این فرصت‌ها هستند.

با تمام این سـودمندی‌ها، مناطق حفاظت‌شده شـهری با ناملایمات بسیاری دسـت و پنجه نرم می‌کنند مثل تصرف، آتش‌سوزی، خرابکاری، سیل و آلودگی‌هـای هـوا و آب. به‌طور مثال، متاسـفانه پارک ملی سرخه‌حصار از تصرفات مدیریتی شهری بیشترین آسیب را خورده است و هم‌اکنون نیز این پارک قرار است قربانی اتوبان‌سازی شهرداری شود؟ یعنی ریه‌های شهر قطع شوند! آیا کسی هست که به خاطر سلامت و هستیِ خود و مردم و کشور، جلوی این تخریب را بگیرد؟

در سومین روز از همایش «روانپزشکی فرهنگی - اجتماعی در یک نگاه» مطرح شد:

مشکلات اجتماعی ایران، بیماری مزمن شده‌اند

افسردگی و ایجاد افکار خودکشی در زنان نتیجه خشونت خانگی است

عکس: امیر جدید / شهروند

زهـرا جعفـرزاده- شـهروند| «آسـیب‌پذیری خانواده‌ها از دهه ۶۰ افزایش پیدا کرده است و اختلال شغل سرپرسـت خانواده و افزایش قیمت ارز، قدرت خرید خانواده‌ها را به شدت تحت تأثیر قرار داده. همین هم شـده تا تحولات اجتماعی در کشور ایجاد شود و تعلقات خاطر اجتماعی را از بین ببرد. اینها همه نتیجه سیاست‌های نادرست دهه ۷۰ است.» اینها را حسین راغفر، اقتصاددان و پژوهشگر فقر و عدالت اقتصادی در آخرین روز همایش روانپزشکی فرهنگی -اجتماعی اعلام کرد.

او با اشاره به نابرابری، فقر و روان گسیختگی، گفت: «ریشه تمام نابسامانی‌ها را باید در سیاست‌های بخش عمومی جست‌وجو کرد، در مطالعه‌ای که در سال ۹۰ انجام شد، مشخص شـد که در بخش امنیت غذایی، مناطق ۹، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۱۹ بیشترین تعداد کودکانی را دارد که به غذای کافی دسترسـی ندارند یا از غذای با کیفیتی برخوردار نیستند، در بخش فقر آموزشی هم یک ارتباط تنگاتنگی میان فقر غذایی، فقر آموزشی و اشتغال سرپرسـت خانواده دیده می‌شود.» به گفته او، تنها در سیستان‌وبلوچسـتان ۱۰۰هـزار کودک واجد شـرایط تحصیل وجود دارد که هنوز به مدرسه نمی‌روند.

راغفـر در ادامه با بیان این‌که، از سـال ۹۰، شـاهد افزایش آسیب‌پذیری خانوارها هستیم، گفت: «اختلال شغل سرپرسـت خانواده و افزایش قیمت ارز، قدرت خریـد خانواده‌ها را به شـدت تحت‌تأثیر قـرار داده، شدت آسـیب‌دیدگی هم زمانی است که سرپرست خانواده بیکار باشـد.» او به موضوع دیگری هم اشاره کرد: «تحـولات اجتماعـی منجر می‌شـود تا مردم حس تعلق‌خاطر اجتماعی مانند اشـتراکات سنتی، اجتماعی محلی، شبکه خویشـاوندی و... را از دست می‌دهند. آنچه در سـه دهه گذشته در کشور رخ داده بر خلاف تفاوت در جهت‌گیری‌هـای صورت گرفته، شاهد تداوم نئولیبرال هستیم، این فرهنگ نئولیبرال اقتصادی افراد جامعـه را دچار نوعـی اختلال روانی می‌کند که مشـخصه آن از کارافتادگی فرآیندهای فکری و پاسخگویی عاطفی ضعیف است.» او ادامه داد: «این اتفاق جامعه را دچار روان‌گسیختگی اجتماعی و توهم‌های جنون‌آمیز و رفتارهای ناشی از آشفتگی فکری می‌کند.»

به گفتـه راغفر، اتفاقاتـی که در حال حاضـر با آن مواجه هستیم، نتیجه سیاسـت‌های دهه ۷۰ است. فروپاشـی خانواده، اعتیاد، فرار مغزها، کودکان و زنان خیابانی و... از جمله آنهاست. اینها نشان‌دهنده شکست سیاست‌های نئولیبرال در جامعه ما دارد. او ادامه داد: «با ادامه روند سیاسـت‌های اقتصادی در کشـور، در دهه ۹۰ شـاهد افزایش فقر و نابرابری و تمام اتفاقات نامیمون در جامعه خواهیم بود.»

مشکلات اجتماعی، بیماری مزمن شده‌اند

حسـین سـراج‌زاده، معاون پژوهشـی دانشـگاه خوارزمی سـخنران دیگر این همایش بود. او با اشاره به آینده مسائل اجتماعی جامعه ایران، گفت: «ارزیابی ما از مسائل اجتماعی این است که گویی ما در ارتباط با حل مسائل اجتماعی مدت‌هاست که دچار ناتوانی نهادی شده‌ایم و مسائل اجتماعی‌مان تبدیل به مسائل اجتماعی مزمن شـده‌اند. سـاختارهای اجتماعی و سیاسی و اقتصادی‌مان دچار نوعی اختلال شده‌اند و نتوانسته‌ایم آنها را تغییر دهیم، آینده مسائل اجتماعی ایران به این برمی گردد که کنشگران اجتماعی چقدر می‌توانند محدودیت‌های ساختاری را تغییر دهند.»

افسردگی و ایجاد افکار خودکشی در زنان نتیجه خشونت خانگی

مروئه وامقی، روانپزشـک و عضـو هیأت‌علمی در این همایش، مطالعات همسـرآزاری در ایران را مرور کرد. به گفته او، در سـال‌های ۸۰ تا ۹۳، ۱۹۶ مقاله با موضوع همسرآزاری ارایه شده که به ترتیب شهرهای اصفهان، خراسان‌رضوی و کردستان بیشترین میزان همسـرآزاری را داشـته‌اند. او گفت: «در ۲۹ مطالعه انجام شـده، شـیوع کلی خشـونت ۱۷ تا ۹۴ درصد گزارش شده است، در ۳۷ مطالعه، خشونت جسمی ۷ تا ۹۱ درصدی، خشونت‌روانی در ۳۱ مطالعه، شیوع ۲۵ تا ۹۳ درصدی و خشـونت جنسی در ۲۵ مطالعه شیوع ۷ تا ۹۲ درصدی و خشـونت اقتصادی، شیوع ۳،۴ تا ۳۴،۷ درصدی را نشـان می‌دهد.» به گفته او، خشونت اقتصادی، به معنی مشارکت ندادن همسر در تصمیم‌گیری مالی، سخت‌گیری در دادن خرجی، مجبور کردن به فروش اموال و... است.

وامقی بـه خشـونت در دوران بارداری هم اشـاره کرد: «در ۳۷ مطالعه انجام‌شده، خشونت جسمی در دوران بارداری ۱،۲ تا ۵۷ درصد، خشـونت روانی، ۶ تا ۷۶ درصد، خشونت جنسی یک تا ۵۲ درصد، خشونت اقتصادی ۲۳ تا ۹۳ درصد و خشونت اجتماعی ۱۴ تا ۸۵ درصد بوده اسـت.» این روانپزشک این توضیح را هم داد که سن زن و مرد، مدت ازدواج، تعداد فرزندان، میزان تحصیلات، شغل و وضع اقتصادی و اجتماعی، اعتیاد و همچنیـن متغیرهایی مانند اعتیـاد زنان، مواجهه و تجربه خشـونت در دوران کودکی، میزان حمایت اجتماعی از زنـان، روابط با خانـواده پدری، قومیت و ویژگی‌های روانی و... از جمله علت‌هایی است که در وقوع همسرآزاری نقش دارند.

به گفته وامقی، خشونت خانگی، مشکلات سلامت روانی، مانند افسـردگی و افکار خودکشی را در میان زنان ایجاد می‌کند. از سوی دیگر آسیب‌های جسمی مانند کبودی، بریدگی، سـوختگی، شکسـتگی و... پیامدهایی اسـت که زنان در معرض خشونت آن را تجربه می‌کنند، همچنین خونریـزی و پارگی پرده جنینی و سقط جنین هم از جمله عوارض خشونت در دوران بارداری است.

اعتقاد به برتری مردان دلیل عمده خشونت علیه زنان

در ادامه این سخنرانی، فرنوش داوودی، روانپزشک هم درباره عوامل موثر بر خشونت خانگی در کشورهای حوزه مدیترانه صحبـت کرد. او گفت که براسـاس برآوردی که در سال ۲۰۰۲ انجام شده، هزینه‌هایی که زنان ایرانی خشونت دیده، در آن سال به‌طور مستقیم به پزشکی قانونی پرداخت کرده‌اند، بیش از یک میلیون دلار بوده اسـت. به گفته این روانپزشـک، اعتقاد به برتری مردان از سـوی زنان، منجر شـده تا احتمال وقوع خشونت علیه زنان ۵/۵۳ تا ۸۶/۲۸ شود. ازدواج اجباری هم ریسک خشونت خانگی را تا ۴ برابر بیشتر می‌کند، همچنین رابطه نامناسب با خانواده همسر هم تا ۴ برابر و داشـتن بیش از چهار فرزند، احتمال وقوع خشونت خانگی را ۱/۵ برابر بالا می‌برد.

داوودی تأکید کرد: «بررسی‌ها نشان می‌دهد که در کشورهای مدیترانه شرقی، مهمترین دلیل خشونت علیه زنان، اعتقاد به برتری مردان، تجربه خشـونت، داشتن سـن کمتر از ۲۰ سال، تحصیلات پایین، سوء مصرف الکل و موادمخدر، مصرف سیگار و ویژگی‌های جامعه و شرایط اقتصادی اعلام شده است.»

سال گذشته میزان گزارش کودک‌آزاری جنسی ۴ درصد اعلام شد

حبیب‌اله مسـعودی‌فرید، هم به‌عنوان متخصص پزشـکی اجتماعـی دربـاره کـودک‌آزاری در ایران سخنرانی کرد. او با اشاره به افزایش موارد کودک‌آزاری در کشور گفت: «در سازمان بهزیستی ۶۰۰ مرکز شبه خانواده وجود دارد که هر سـال ۱۰ هـزار نفر وارد این مراکز می‌شوند که ۸۰ درصد این کودکان بدسرپرست هسـتند.» به گفتـه او، در ایران موارد سوءاسـتفاده جنسـی کمتر گـزارش می‌شـود، به‌طـوری که در سـال گذشـته، موارد کودک‌آزاری جنسی ۴ درصد، کودک‌آزاری جسـمی ۱۷/۵ تـا ۵۲ درصـد و روانی ۱۲/۵ درصد گزارش شـده اسـت. «در سال گذشته ۷/۵ درصد تماس‌هایی که با اورژانس اجتماعی گرفته شـده، مربوط به کودک‌آزاری بود. یعنی در سال ۹۳، ۶۰۰ هزار تماس با این مرکز گرفته شد.» او با تأکید بر این‌که در بهزیستی ۱۷۰ مرکز مداخله در بحران وجود دارد، گفت: «ما حتی در سـازمان بهزیسـتی در حال تهیه پروتکل کودک‌آزاری هستیم که تا اواخر شهریور نهایی می‌شود، یکی از مشـکلاتی که وجود دارد این است که با وجود عمومی شدن جرم از سال ۸۱، مردم هنوز این قوانین و حتی مراکز و اورژانس‌های اجتماعی را نمی‌شناسند.»

علی کاظمی، مدرس حقوق و قاضی دادگسـتری، سخنران دیگر این همایش بود. او درباره مسائل قانونی حمایت از امنیت زنان و منع انواع خشـونت خانگی، گفت: «لایحه حمایت از حقوق کودکان در چند سال اخیر تهیه شده، در حال حاضر هم در مجلس است، با این همه ما در زمینه خشونت علیه زنان، چالش‌های مختلفی داریـم، عاملان خشـونت افـراد مختلفی هستند و موارد آن هم مشخص نیست. از سوی دیگر به دلیل شرایط اجتماعی، نمی‌توان مسائل حقوقی را وارد خانواده‌ها کرد.» او معتقد اسـت که نه فقط برای کودک‌آزاری که برای خشونت‌های خانگی هم، جرم را عمومی کرد.

سیستان‌وبلوچستان بدترین شرایط سلامت اجتماعی را دارد

حسن رفیعی، استاد دانشگاه علوم پزشکی بهزیستی هم با اشـاره به رویکردهای سلامت اجتماعی تأکید کرد: «از نظر سـلامت اجتماعی، تهـران در بهترین و سیستان‌وبلوچسـتان در بدتریـن شـرایط قـرار می‌گیرند.»

آفرین رحیمی موقر، رئیس مرکز تحقیقات مطالعات اعتیاد دانشگاه علوم پزشکی تهران هم با اشاره به روند اعتیاد در ایران، با بیان این‌که در ۳۰ سال گذشته، هر سـال ۸ درصد به تعداد مصرف‌کننـدگان موادمخدر اضافه می‌شود، گفت: «براساس مطالعه‌ای که در سال ۸۰ انجام شد، مشخص شد که ۳ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر در کشور مصرف جاری موارد اپیوئیدی یعنی تریاک و شـیره را تجربه کرده‌اند، در سال ۹۰ هم مطالعه خانه به خانه جمعیت عمومی نشـان داد کـه ۳ میلیون و ۲۹۰ هزار نفر در خانه‌شان مصرف یک ماده غیرقانونی را داشـته‌اند.» به گفته او، هنوز در کشور مصرف مواد اپیوئیـدی حـرف اول را می‌زند و تریـاک با اختلاف چشمگیری هنوز ماده اول مصرفی در کشور است.

افزایش تولید متامفتامین‌ها در کشور

رئیس مرکـز تحقیقات مطالعات اعتیاد دانشـگاه علوم پزشکی تهران، به سن شیوع مصرف موادمخدر در کشور اشاره کرد: «تنها یک مطالعه در کشور نشان می‌دهد که متوسـط سن شـیوع مصرف موادمخدر پایین آمده که نمی‌توان آن را به کل کشور تعمیم داد، در حالی که مطالعات دیگر، از ثابت ماندن سن مصرف موادمخدر حکایت دارند.» او در ادامه از افزایش فزآینده تولید متامفتامین‌ها در کشور ابراز نگرانی کرد. «در سه چهار سال اخیر با افزایش تولید این مواد مواجه هستیم، مواد محرک، مواد خطرناک آینده ماسـت، حالا هم با موضوع خرید و فروش اینترنتی مواجه هستیم، اتفاقی که خیلی نگران کننده است.»

اقتصاددان و پژوهشگر حوزه فقر و عدالت اقتصادی در گفت‌وگو با «شهروند»:

گروه‌های بالای درآمدی در معرض آسیب‌های فرهنگی قرار دارند

شهروند| روند آسیب‌های اجتماعی در کشور رو به افزایش است. این را حسین راغفر، اقتصاددان و پژوهشگر حوزه فقر و عدالت اقتصادی در گفت‌وگو با «شهروند» می‌گوید. او معتقد است که میان رفاه اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی در جامعه رابطه مستقیمی وجود دارد. او توضیحات بیشتری می‌دهد.

-شما در سـخنرانی‌تان، به آینده آسـیب‌های اجتماعی در کشور اشاره کردید که از نظر شما وضع قابل قبولی را نمی‌توان پیش‌بینی کرد، بـه اعتقاد شـما، در حال حاضر شـرایط رفاه اجتماعی کشـور با توجه به آسـیب‌های موجود و آسیب‌های احتمالی آینده، چگونه است؟

ببینید وقتـی درباره این موضوع صحبت می‌کنیم، بسـتگی به این دارد که کدام گروه اجتماعـی مدنظر ما قرار دارند. مسـأله مهمی که وجود دارد این است که گروه‌های جامعه چندپاره شده ایران، گروه‌های مختلفی هستند. بخش قابل توجهی از آنها، طبقه متوسط بودند که در سال‌های اخیر به طبقه پایین پیوستند و جمعیت بزرگی را تشکیل دادند، گروهی که تهدیدهای جدی را برای امنیت اجتماعی -اقتصادی کشور، همراه دارند. از آن سو، گروه‌های بالای درآمدی که پیش از این منتفع بودند، متاسـفانه در معرض آسـیب‌های جدی از نـوع دیگری قـرار دارند که عمده آن آسـیب‌های فرهنگی اسـت. در این گروه نابسامانی‌های اجتماعی فراوانی دیده می‌شود که اغلب شکست‌های خانوادگی را در آن شـاهد هسـتیم. بنابراین درآمد بالاتر منجر به رفاه بیشتر یا آسایش خاطر بیشتر نشده است. در کنار این گروه، افراد با درآمد پایین هم مشکلات خاص خودشان را دارند.

-با توجه به توضیحات شما، در حال حاضر ما با رشد فزآینده آسیب‌های اجتماعی در کشور مواجه هستیم؟

بله متاسـفانه روند آسـیب‌های اجتماعـی در حال افزایش اسـت. به‌طور کلی یک ارتباط مسـتقیم میـان رفاه اجتماعی و آسـیب‌های اجتماعی در جامعه وجود دارد، فکر می‌کنم به همین دلیل باید دولت اقدام جدی در این زمینه انجام دهد، چرا که در غیر این صورت آسیب‌ها از حیطه کنترل خارج می‌شوند.

-در همین ارتباط، پیش از این خیلی درباره سقوط افراد به زیر خط فقر به‌دلیل هزینه‌های بالا، از جمله هزینه‌های سنگین بخش درمان، به‌عنوان یکی از شـاخص‌های رفـاه اجتماعی، صحبت شده، به اعتقاد شما جایگاه کشور با توجه به اقدامات مداخله‌ای دولت در این زمینه و اجرای طرح تحول نظام سلامت، کجاست؟

به نظرم این اقدامات خیلی ناکافی است. اقدامات صورت گرفته تنها تزریق پول و منابع بوده بدون این‌که برنامه خیلی روشـن و مشخصی داشته باشـد. گو این‌که آثار اجتماعی آن خیلی مثبت بوده اما آثار اقتصادی‌اش به‌دلیل افزایش شـدید تعرفه‌های پزشـکی و مشـکلاتی که انتظار می‌رفت با تزریق این منابع حل شـود، مانند درآمدهای غیرمجازی که در فرآیند ارایه خدمات بوجود می‌آید، اما کماکان ادامه دارد. البته شاید در برخی بخش‌ها این مشکلات کاهش یافته اما هنوز رفع نشده است. علتش را هم باید در کارکردهای خیلی وسیع‌تری از اقتصاد و اجتماع دید. مسأله تنها منحصر به کارکرد یک طبقه خاص مانند پزشکان نمی‌شـود، آنها در یک بستری از محیط اجتماعـی -اقتصادی حرکت می‌کنند که بـه نظرم متهم اصلی آنجاسـت. دولت در حوزه‌های اجتماعی دیگر مانند اشتغال و... خیلی کند حرکت می‌کند و این برای حل مشکلات کشور کافی نیست.

رئیس انجمن متخصصین مغز و اعصاب ایران:

به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر، ۱،۳ متخصص مغز و اعصاب در کشور داریم

شـهروند| تعداد متخصص‌های مغز و اعصاب در کشـور در حال حاضر ۱۰۲۳ نفر است یعنی به ازای هر صدهزار نفر، ۱،۳ پزشک متخصص مغز و اعصاب در کشور به ارایه خدمات مشغولند.

حسین پاکدامن، رئیس انجمن متخصصین مغز و اعصاب ایران با اعـلام این مطلب گفت: هر چند تعداد متخصصین مغز و اعصاب در کشور به تعداد قابل توجهی افزایش یافته ولی هنوز در کشور نیاز به این رشته وجود دارد.

او در بیسـت و دومیـن کنگـره نورولـوژی و الکتروفیزیولوژی بالینی ایران با اشـاره به این‌که اوایل انقلاب تعـداد متخصصین مغـز و اعصاب در کشـور حدود ۱۸ نفر بود، اظهار کـرد: در حال حاضر به دنبال توسعه شاخه‌های تخصصی‌تر علوم اعصاب در کشور هستیم. هدف مهمی که به دنبال آن هستیم، توسعه رشته‌های فوق تخصصی مغز و اعصاب است تا بتوانیم خدمات تخصصی‌تری در کشور ارایه دهیم.

پایش آلودگی شناگاه‌ها ماهانه می‌شود

ساحل قو وضع مطلوبی ندارد

ایلنـا| مدیرکل دفتر آلودگی دریای سـازمان حفاظت محیط‌زیسـت از اجرای پایش آلودگی ماهانه در شناگاه‌ها خبر داد و گفت: اکنون چابهار سالم‌ترین و اسـتانداردترین سـواحل در کشور را دارد. ضیاءالدین الماسـی در مورد برنامه‌های سازمان حفاظت محیط‌زیست برای پایش آلودگی شناگاه‌ها و سواحل گفت: پایش میکروبی و بررسی وضع آلودگی شناگاه‌های شمال و جنوب کشور و مناطـق تفرجی به‌طـور منظم در سـال ۹۳ و ۹۴ انجام شده و ادامه خواهد داشـت. او در مورد وضع آلودگی و سلامت شناگاههای کشور گفت: شناگاه‌های جنوب کشـور به‌ویژه منطقه چابهار وضع بسـیار مطلوبی دارد. الماسی با بیان این‌که در استان مازندران نیز بیش از ۸۰ درصد شناگاه‌ها در وضع استاندارد قرار دارند، افزود: در گیلان نیز باید توجه کرد که ساحل قو در وضع مطلوبی قرار ندارد، اما سواحل کیانشهر و سحرخیز جزو سواحل سالم و استاندارد کشور هستند.

روی خط خبر

معاون آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش:

کلاس اولی‌ها از اول خرداد ثبت‌نام کنند

ایسنا| معاون وزیر آموزش و پرورش از تغییراتی در ثبت‌نام دانش‌آموزان در مدارس خبر داد.

علی زرافشان در همایش ملی هوشمندسازی مدارس که در شیراز برگزار شد، گفت: برای ثبت‌نام سال تحصیلی جدید، دانش‌آموزان بین پایه نیاز به حضور در مدرسه ندارند. این دانش‌آموزان توسط مدیریت و از طریق سـامانه طراحی شده اقدام به نام‌نویسی در مدارس می‌کنند.

او با اشـاره به وجـود اطلاعـات دانش‌آموزان بین پایه‌ای در مـدارس، بیان کرد: با توجه به این اطلاعات امکان ثبت‌نام از طریق سـامانه سـناد وجود دارد.

زرافشـان بـا بیـان این‌کـه براسـاس دستورالعمل‌های ارجاعی تنها دانش‌آموزان پایه ورودی باید برای ثبت‌نام مراجعه کنند، خاطرنشان کرد: در پایه اول ابتدایی و پایه هفتم والدین باید برای ثبت‌نام به مدارس مورد نظر مراجعه کنند.

معاون آمـوزش متوسـطه وزارت آمـوزش و پرورش با تأکیـد بر این‌که مدارس عـادی برای ثبت‌نام هیچ شهریه‌ای دریافت نمی‌کنند، اظهار کرد: براساس مصوبه شـورای آموزش و پرورش شهریه فقط در مدارس نمونه دولتی، تیزهوشان و مدارس غیردولتی دریافت می‌شود.

معـاون وزارت آمـوزش و پـرورش در بخش دیگری از سـخنانش گفت: والدین دانش‌آموزان برای ثبت‌نـام فرزند خود در پایـه اول باید از اول خردادماه و حداکثر تا پایان تیرماه به دبستان‌های نزدیک محل زندگی خود مراجعه کنند تا فرآیند سنجش سلامت آنان انجام شود.

مهاجرت ۱۳۰ هزار نفر در پی بی‌توجهی به هامون

خانه ملـت| عضو مجمع نمایندگان اسـتان سیستان و بلوچستان با بیان این‌که بی‌توجهی به تالاب هامون منجر به مهاجرت بیش از ۱۳۰ هزار نفـر از جمعیت این منطقه شـده اسـت، گفت: متاسفانه عزم جدی در مسـئولان برای مقابله با بحران تالاب هامون وجود ندارد.

سیدباقر حسینی درباره شرایط تالاب هامون، گفت: شرایط تالاب هامون در حال حاضر به دلیل ورود مقداری آب نسـبت به گذشـته بهتر شده است، اما به دلیل گستردگی این تالاب و میزان کم آب، باید در برخی نقاط شن‌های روان ثبیت شود، چون این موضوع برای مردم بسیار مشکل آفرین شده است.

نماینده مردم زابل، زهک و هیرمند در مجلس شـورای اسـلامی، ادامـه داد: البته می‌تـوان با راهکارهایی مشـکلات مربوط به تالاب هامون را حل کرد، از جمله این‌که از پوشش گیاهی مناسبی در این منطقه اسـتفاده کرد که نیاز به آب فراوان نداشته باشد، هرچند که کار تحقیقاتی بسیاری روی این موضوع انجام شده و دولت در سفر استانی به زاهدان مصوب کرد که هزار هکتار از زمین‌های این منطقه را به پوشش گیاهانی که نیازمند آب فراوان نیسـت، اختصاص دهد، اما متاسفانه این موضوع تاکنون انجام نشده است.

او از راهکارهـای دیگـر مقابلـه بـا بحـران تالاب هامون را مالچ‌پاشی عنوان کرد و گفت: البته مالچ‌پاشـی در حال حاضر به روش جدید صورت می‌گیرد، یعنی از مالچ‌هایی استفاده می‌شود که تنها برای طبیعت مضر نیست بلکه مفید نیز است.

حسـینی تأکیـد کـرد: تمامـی راهکارهای گفته‌شده به راحتی امکان‌پذیر است، اما عملکرد دولت در بحث مقابله با بحران تالاب‌های جنوب کشور به هیچ عنوان راضی کننده نیست، زیرا عزم جدی در مدیران و مسئولان مرتبط با این بخش وجود ندارد؛ حتی متاسفانه شنیده شده که رئیس سازمان محیط‌زیست چندی پیش اعلام کرده که مردم باید با ریزگردها کنار بیایند، از این رو اینگونه نگاه‌های مسـئولان به موضوع محیط‌زیسـت حکایت از آن دارد که آنها مسائل را به‌طور جدی پیگیری نمی‌کنند.

این نماینده مردم در مجلـس نهم، با تأکید بر اینکه ۸۰ درصد طوفان‌های شن و ماسه سیستان را می‌توان با روش‌هایی چون مالچ‌پاشـی کنترل کرد، گفت: طوفان و باد شدید از گذشته تاکنون در استان سیستان وجود داشته است، اما گرد و خاک هیچ زمانی دیده نشده که این موضوع هم در استان سیستان در حال افزایش است، البته این مشکل به دلیل خشکی تالاب هامون صورت گرفته، بنابراین اگر کانون‌های بحران در تالاب هامون از بین برود، حداقل ۸۰ درصد مشکلات حل می‌شود.

عضو مجمـع نمایندگان اسـتان سیسـتان و بلوچسـتان، گفـت: بی‌توجهی به مشـکلات تالاب هامون و طوفان‌های شـن و ماسه منجر به مهاجرت بیش از ۱۳۰ هزار نفر از جمعیت منطقه، خالی شدن روستاها از سکنه، مدفون شدن برخی روستاها در زیر شن‌های روان و بیماری‌های ریوی و تنفسی مردم این استان شده است.